



## جنگ قدرت در استقلال بدون فرهاد

کدام ستاره شایستگی جانشینی مجیدی را دارد؟

کدام ستاره شایستگی جانشینی مجیدی را دارد؟  
جنگ قدرت در استقلال بدون فرهاد

جام جم آنلاین: هنوز هیچ‌یک از طرفداران تیم استقلال جدایی فرهاد مجیدی از تیمشان را باور نکرده و عواقب احتمالی تلخ آن را پیش‌بینی نکرده‌اند. این درست مانند لحظاتی است که بدن انسان برای عدم تشخیص و احساس درد ناشی از ضربات یا لطمات وارده آدرنالین در خود تولید می‌کند تا حس درد از بین برود.

این روزها در واقع، نخستین روزهای جدایی فرهاد از استقلال است؛ استقلالی که در حیات نزدیک به 60 ساله خود، تیم پرستاره کم نداشته، اما در 2 دهه اخیر اکثر تیم‌های پرمهره استقلال به بلای اختلافات درونی گرفتار بوده‌اند و از داخل دچار درد کهنه قدرت شدند. نزاعی که تیم را به دو، سه یا حتی چند باند و گروه مختلف تقسیم می‌کرد و تیم را قربانی همین سهم‌خواهی می‌نمود.

استقلال این فصل اما با استخدام چند مهره طراز اول و مدعی، هرم قدرت را با ظرافت به دست آورد و با قرار دادن فرهاد مجیدی در راس این هرم، امکان استقرار مهره‌هایی چون برهانی، جباری، رحمتی، امیرآبادی، میداوودی، تیموریان، عمران‌زاده و حیدری که هر یک در نوع خود ستاره‌اند را بدقت در نظر گرفت.

از همین رو پرویز مظلومی که با مشکلات مختلفی چون نارضایتی مالی از پرداخت‌ها، اختلاف ستاره‌ها با یکدیگر و با خودش و فشار کمیته فنی منتقد در برهه‌ای از فصل روبه‌رو بود، با اتکا به مدیریت درون‌تیمی مجیدی، احساس امنیت می‌کرد. خروج مجیدی از لیست استقلال به‌جز فشارهای فنی و ساختاری در تاکتیک استقلال، آغاز احتمالی زمزمه‌هایی است که در روزگاری نه‌چندان دور از منصوریان، نوازی، طالب‌لو، قربانی و... سراغ داریم و البته اداره چنین تیمی در کنار پر کردن خلأ ناشی از کم شدن یک وزنه از بدنه تیم می‌تواند معادلات آبی‌ها را در نیم‌فصل دوم برهم بریزد، بخصوص این‌که دور برگشت همه رقبا برای گرفتن امتیاز از صدرنشین در کمین نشسته‌اند. بی‌دلیل نبود که پرویز مظلومی در طول روزهای پیش از قطعی شدن پیوستن مجیدی به یک تیم خارجی (الغرافه) همواره و در هر مصاحبه‌ای می‌گفت: «#171؛ امیدوارم مجیدی نرود...».

در این جمله کوتاه بخش عظیمی از نگرانی‌های مظلومی نهفته است که به عنوان یک پدر در راس خانواده‌ای به نام تیم استقلال آن را بخوبی احساس می‌کند؛ چراکه هیچ‌کس بهتر از او بر مسائل و مصائب درونی تیم کهکشانی استقلال واقف نیست. خروج مجیدی از استقلال خروج یک گلزن یا یک کاپیتان نیست. خروج یک ابرستاره است. کسی که در 2 فصل اخیر 4 بار پرسپولیس را به زانو درآورد تا دربی بزرگ ایران به نام و کام طرفداران استقلال باشد. فرهاد بتازگی و در نظر سنجی غیررسمی محبوب‌ترین بازیکن جهان، حتی از علی کریمی قرمزها هم پیشی گرفت. چنین ستاره‌ای در نبود خود فقط یک اسم و یک جای خالی را بر جای نخواهد گذاشت. به همین دلیل است که قاطعانه می‌گوییم هواداران کم‌کم متوجه خلأ چنین فوتبالیستی درون تیمشان خواهند شد.

نکته: پرویز مظلومی که با مشکلات مختلفی چون نارضایتی مالی از پرداخت‌ها، اختلاف ستاره‌ها با یکدیگر و با خودش و فشار کمیته فنی منتقد در برهه‌ای از فصل روبه‌رو بود، با اتکا به مدیریت درون‌تیمی مجیدی، احساس امنیت می‌کرد  
مجیدی در این اواخر و بویژه پس از جر و بحث کرار و جباری نقش پررنگ خود را در کاهش تنش‌های پیش‌بینی نشده یک تیم اوج‌گرفته را بخوبی نشان داد و فردای همان روز با جمع کردن مظلومی، پورحیدری و البته جباری در کنار هم ترتیب یک جلسه سرپایی در محل تمرین استقلال را داد تا اتفاقی که می‌توانست هفته‌ها و شاید تا پایان فصل آلت دست رسانه‌ها برای وارد کردن تنش به پیکر تیم یکدست استقلال باشد را ظرف دو روز جمع و جور کند.

کسی شك ندارد که توصیه‌های دوستانه مجیدی (و البته از منظر یک کاپیتان) به جباری در ارتباط با مشکلات احتمالی وی در بحث باشگاهی و در سطح تیم ملی سبب شد تا فوتبالیستی چون جباری در رسانه‌های گروهی بابت اظهارات خود علیه باشگاه استقلال و پرویز مظلومی عذرخواهی کند؛ رفتاری که شاید بی‌اغراق بتوان گفت تا پیش از آن هرگز از سوی مجتبی جباری، #171؛منتقد همیشگی فوتبال باشگاهی» در ایران شاهدش نبودیم. در نقطه مقابل و با نگاهی دقیق‌تر به همان اتفاق می‌توان ردپای فرهاد در مورد عدم حضور دوباره کرار در تمرینات استقلال را نیز بسادگی احساس کرد؛ چراکه مجیدی با حضور هر روزه در تمرینات گروهی تیم و اردوهای مسابقات با خصوصیات اخلاقی یکایک اعضای تیمش آشناست و می‌دانست با رفتن چنین فوتبالیست تنش‌زایی از جمع بازیکنان استقلال وحدت و آرامش با ثبات بیشتری درون این تیم تداوم خواهد یافت؛ اما حالا چه کسی #171؛مجیدی استقلال»

خواهد شد؟ چه کسی در جمع این ستاره‌های باقیمانده کاریزمای فرهاد را داراست؟ آیا مجتبی جباری که هنوز در مصاحبه‌هایش دوست دارد حرف‌های ضد سرمربی تیمش را تکرار کند؛ اما با خنده از کنارش می‌گذرد، دارای چنین شخصیتی هست؟ آیا برهانی به عنوان یکی دیگر از قدیمی‌های تیم می‌تواند نقش رهبری تیمش را به‌عهده بگیرد؟ آیا مهدی رحمتی که در طول این فصل بارها با حنیف عمران‌زاده، آندرانیک تیموریان، محسن یوسفی و دیگر بازیکنان جر و بحث کرده، قابلیت این را دارد که مثل فرهاد در یک آن بر تمام اتفاقات درونی و بیرونی تیمش احاطه داشته باشد؟ آیا مهدی امیرآبادی چنین جایگاهی در نظر اعضای تیم استقلال دارد که بخواهد پس از یک جنگ و جدل درون تیمی برای ایجاد آرامش پا پیش بگذارد؟

اگر بخواهم سطحی و سریع به این سوالات پاسخ بدهیم، قطعاً به جواب صحیح دست نخواهیم یافت؛ اما با نگاهی عمیق به تمام چالش‌های پیش‌روی استقلال، تازه متوجه می‌شویم که مسائلی که تا این قسمت از این مطلب به آنها اشاره شد، همه در مباحث بیرونی تیم خلاصه می‌شود و بخش دیگر یا وجه دیگر به مجیدی، مجیدی گلزن، پاسور و تکنیکی باز می‌گردد که قابلیت زدن گل زاویه بسته در دربی پیش چشم صدهزار تماشاگر را دارد. آیا مظلومی می‌تواند مهره‌ای جایگزین او کند که در مواقع ضروری از خط حمله استقلال تا قلب خط دفاع عقب آمده و خود پایهریز حمله‌ای تازه برای تیمش باشد؟ بحث کردن در این باره تنها یک نتیجه و جواب را پیش روی طرفدار واقعی استقلال قرار خواهد داد و آن این است که تصویر روشنی از استقلال بدون مجیدی قطعاً نمی‌توان ترسیم کرد. چرا که فوتبال عین حقیقت است و با کسی شوخی ندارد. حتی در دقیقه 90 یا بیشتر از آن. سوال آخر این‌که؛ در استقلال بدون مجیدی بازوبند زرد کاپیتانی بر بازوی چه کسی بسته خواهد شد؟

محمد رضا مدنی / جام‌جم